

ونسان ون گوگ

# نامه های ون گوگ

متن کامل

(۲ و ۱)

رضا فروزی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

## فهرست مطالب

- یادداشت ناشر ..... ۷  
درباره مترجم ..... ۹  
پیشگفتار ..... ۱۱

### جلد اول

- ارزش نامه‌های ون‌گوگ ..... ۱۵  
راه و روش هنرمند دوران هلند و بلژیک ..... ۲۱  
نامه‌های ون‌گوگ به برادر خود از هلند و بلژیک ۱۸۸۶-۱۸۷۶ ..... ۵۱

### جلد دوم

- راه و روش هنرمند دوران فرانسه ..... ۲۹۷  
نامه‌های ون‌گوگ به برادرش از فرانسه ۱۸۹۰-۱۸۸۸ ..... ۳۲۱  
نامه‌های ون‌گوگ به امیل برنار ۱۸۸۷-۱۸۹۰ ..... ۴۸۷  
مختصری از شرح زندگی هنرمند ..... ۵۴۱



## درباره مترجم

رضا فروزی در سال ۱۲۹۰ در شهرستان رشت زاده شد. پدرش سوداگری ثروتمند بود که به تربیت فرزندانش علاقه وافری نشان نمی داد. تربیت اولیه او پس از فوت مادرش در محیطی بیگانه و دور از دل‌بستگی‌های خانوادگی انجام گرفت، و چون خود را از محبت مادری و عواطف خانوادگی محروم دید به آغوش هنر پناه برد. در سال ۱۳۰۷ پس از پایان دوره دبیرستان، چون قادر نبود هدف‌های هنری خود را دنبال نماید، یار و دیارش را ترک کرد، و راهی سرزمین شوروی شد.

پس از پایان دوره سه‌ساله هنرستان هنرهای زیبای مسکو، وارد دانشکده هنرهای زیبای مسکو به نام «سوریکوف» گردید، و در طی این دوره از استادان بنام نقاشی مانند: فاروسکی و پاولینوف و برونو، که آوازه جهانی دارند، برای تکمیل هنر خود استفاده شایانی کرد.

در سال ۱۳۱۶ دوره دانشکده را با نتیجه عالی به پایان رساند، و علاوه بر نقاشی و امور مربوط به چاپ سنگی، به ادبیات روسی نیز تسلط یافت. بلافاصله پس از تحصیلات عالی هنری در سال ۱۳۱۷ به وطن بازگشت، و در رشت - زادگاهش - کارگاه نقاشی دایر کرد، و سپس به تهران رفت، و به کار هنری مشغول شد.

از استادان قدیم نقاشی به کارهای رامبراند، میکل آنژ، لاکسترف دلاکروا و کوربه، علاقه وافر داشت، و از نقاشان معاصر کارهای: ون‌گوگ، زنوار، سزان و دگا را می‌ستود. رضا فروزی با ترجمه و انتشار نامه‌های ون‌گوگ به جرگه مترجمان درآمد. انگیزه ترجمه نامه‌های ون‌گوگ بدون شک ارادت ویژه‌ای بود که نسبت به نابغه هلندی



احساس می‌کرد، والا خود نیز هنرمندی بود خاموش و در مقابله با سختی‌هایی که برای هنرمندانی چون او وجود دارد، بسیار شکیبای؛ و اگر اقبال کم‌مانند جماعت کتاب‌خوان و هنردوستان و هنرمندان از کتاب نامه‌های ون‌گوگ نبود شاید ترجمه کتاب پل سزان، که حاصل کوشش‌های آخرین سال زندگی فروزی در زمینه ترجمه آثار هنری، و نمونه دیگری از خدمات هنری او است، انجام نمی‌گرفت. فروزی در تیرماه ۱۳۴۶ در تهران درگذشت.

### پیشگفتار

برای پرورش ذوق و توسعه دید هنرجویان مستعد و جوان، از اقدامات مؤثر و سودمند که می‌توان صورت داد یکی تهیه و نشر متون مناسب از احوال و آثار هنرمندان بزرگ جهان است؛ زیرا آنچه هنرجو در کارگاه از تعلیم استاد فرامی‌گیرد رمزکار و درس تکنیک و شیوه طرح‌ریزی و رنگ‌آمیزی است که از ممارست و تمرین و تجربه حاصل می‌شود. درد هنر و لطف فریحه را از کارگاه استاد نمی‌توان به دست آورد، و اگر این موضوع وسیله‌ای برای کسب آن باشد، آن وسیله جز تعمق در احوال و آثار بزرگان و سرآمدان هنر چیزی نیست، و در حقیقت تا در احوال این نوابغ بزرگ جهان هنر سیر و تحقیق نشود و افکار و اندیشه‌های آن‌ها مورد پی‌جویی و آزمون واقع نگردد نمی‌توان از کنه آن لطیفه‌ای که در درون هنرمند شور و غوغایی به پا می‌کند و او را آن مایه توانایی می‌بخشد که نقش زندگی را بر کاغذی یا پارچه‌ای جاودان سازد و دردهای گذرنده و شورهای بی‌ثبات انسان فناپذیر را با آب و رنگ یا به پایمردی گچ و سنگ، دیرپای و پایدار نماید آگاه گشت. از این رو، به نظر می‌آید مقاماتی که ترویج هنر و تشویق اهل هنر را وظیفه خویش می‌شمرند در تهیه و نشر آثاری از این گونه، در واقع مستعدان روزگار را با لطیف‌ترین، سیال‌ترین و نامحسوس‌ترین رموز هنر و زیبایی آشنا توانند کرد، و بدین سبب همه کسانی که ستایش هنر را چون نیایش آیین خویش می‌شمرند باید از آقای رضا فروزی سیاس‌بدارند که با بردباری و شکیبایی کم‌مانندی، به ترجمه گزیده‌ای از نامه‌های ون‌گوگ بزرگ توفیق یافته است و نامه‌هایی را که نه تنها نمودار شوق و شور بی‌پایان و لایزال هنرمندی بزرگ به هنر خویش است، بلکه نماینده ملکات بزرگ اخلاقی مردی فداکار، بی‌ریا، بشردوست و فروتن نیز هست، بدین روانی و شیرینی به زبان فارسی



در آورده است که هر جوان مستعد هنرجویی امروز می‌تواند از خلال سطور آن نه فقط دل هنرمند را که از اوج امیدها و آرزوهای شگرف مالا مال است، بلکه روح نابغه را که سعی و پشتکار آن را گرم و روشن داشته است ببیند و در برابر آن رازی که نوابغ عالم را برتری می‌بخشد وجود خود را از خضوع و اعجاب لبریز بیابد.

از مطالعه این نامه‌ها، که به حقیقت مکتوب‌هایی است از ون‌گوگ که با نهایت سادگی به برادرش تئو نوشته است نیک برمی‌آید که هنرمند واقعی، برای آنکه دنیا را درست کشف و ادراک کند و اسرار و رموز زندگی را به درستی دریابد، یک دم از جستجو و تحقیق بازمی‌ماند و همواره از راه مطالعه مستمر میدان دید خویش را وسیع‌تر و روشن‌تر می‌سازد و هرگز به شیوه ساده‌دلان و زودباوران معتقد نمی‌شود که بی‌هیچ مطالعه و رنجی می‌توان به ذروه نبوغ رسید، بلکه مانند خردمندان راستین، از هر خرمی خوشه‌ای می‌جوید و در هر ورقی نکته‌ای می‌خواند و در طلب مقصود خویش که زیبایی و زندگی است هرگز به هیچ بهانه‌ای باز نمی‌ایستد.

بیهوده نیست، که آفریننده‌ای چنین هنرمند، چنانکه از نامه‌های او به برادرش برمی‌آید، همواره در جستجوی کتاب تازه‌ای است و هرگز از مطالعه کتاب تازه ملول نمی‌شود. در حقیقت هنری که بر سادگی عامیانه متکی باشد، البته نمی‌تواند تأثیر شگرفی را که اثر هنرمندی مانند ون‌گوگ و ماندگان او دارد، در بیننده و خواننده ببخشد... نکته دیگری که از مطالعه این نامه‌ها برمی‌آید فروتنی، بی‌ریایی و خضوع بی‌مانندی است که بر تارک افتخار ون‌گوگ، چون گوهری تابناک می‌درخشد و خواننده کنج‌ها و در طی خواندن این نامه‌ها مکرر مشاهده می‌کند که هنرمند عظیم بی‌ادعا چگونه در قبال عظمت و کمال مطلق، خویشتن را فراموش می‌کند و ضعیف و حقیر می‌شمارد و آن مایه رعونت و خودستایی که کم‌هنران و بی‌مایگان آوازه‌گر عهد ما را چنین گران و دشمن روی و تحمل‌ناپذیر کرده است، چگونه در وجود او هیچ اثر نگذاشته است و این همه خضوع و فروتنی تا چه حد موجب عظمت و سرافرازی او گشته است.

امید است، این نکته‌ها و بسیاری درس‌های هنری و اخلاقی دیگر که از مطالعه این کتاب به دست می‌آید، مورد توجه جوانان مستعد ما واقع شود و آنان را به چنین اوصاف پسندیده‌ای که من در مترجم هنرمند این اثر نیز نمونه‌های آن را یافته‌ام آراسته است.  
دکتر قمر آریان